

## عنوان مقاله:

تحلیل نوع نگاه اقبال لاهوری به چهار منبع فقه و اجتهاد در مذاهب اسلامی

## محل انتشار:

همایش بین المللی اقبال و دنیای ما (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

## نویسندگان:

امیرحمزه سالارزایی - دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان

سمیه اکبری - کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان

## خلاصه مقاله:

در مقاله پیش رود دغدغه اقبال لاهوری که می پرسد آیا فقه اسلامی قابل تحول و تطور است پاسخ داد و این جمله ایشان را نقض کرده اید که می گوید من می دانم چون دمای اسلام مدعی خاتمیت مذاهب فقه اسلامی است و ولی هرگز نمی تواند منکر امکان نظری یک اجتهاد کامل باشند اقبال برای تقویت و فعال سازی منبع سوم فقه که اجماع است پیشنهاد یک مجمع قانون گذاری توسط عالمان ... های مختلف را می دهد و ظرفیتی بیش از آنچه عالمان سقط برای ایکوما قایلند بر آن باور دارد و من به چهارم (بعد از قرآن، سنت و اجماع) را قیاس نام می برد. حالا که دلیل عقل که خود وی اهمیت خاصی برای آن قایل است را در شمار ادله اربعه قرار نمی دهد. در صورتی که در فقه شیعه اثنی بشری به عنوان یک مذهب جهانی اسلامی، دلیل عقلی به جای قیاس، منبع چهارم قرار می گیرد، شایسته بود که ایشان به عقل هم حداقل در نگاه اولیه به عنوان یکی از منابع فقهی مذهب شیعه اشاره می کرد. به نظر می رسد منظور ایشان از قیاس معنای منطقی آن ملحوظ باشد در این صورت عقل و قیاس (استدلال فقهی و منطقی) دو اسم برای یک مسما خواهد بود. مدعای این مقاله این است که: دیدگاه ایشان به عنوان یک شاعر حکیم و حقوق شناس اسلامی در مقوله ثقه مصادر آن در کتاب های احیای فکر دینی در اسلام قابل مناقشه است. دست یافته پژوهش اینست که: استحسانات عصری- عرفی که اقبال لاهوری خارج از منابع چهارگانه معروف فقه به آن اهمیت برجسته ای می دهد، اصالت فقه را به عنوان یک منظومه مستحکم و چهار تکه های نامطلوب می کند.

## کلمات کلیدی:

پویایی، اجتهاد، قیاس، استحسان، اقبال لاهوری، منابع فقه

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/770810>

